

نمایشگاه ایران مد!!!

امسال نامه‌های متعددی مبنی بر گله از نمایشگاه ایران مد داشتیم، از این بین آن‌ها، نامه خانم دکتر باباخانی، پزشک، که اجازه خلاصه کردن گله نامه ۸ صفحه‌ای ایشان! را به ما دادند، جهت درج در صفحه رازی و خوانندگان انتخاب کردیم که با هم می‌خوانیم. ".... جمعه ۱۸ مهر، با همسرم از طریق مترو به سمت شهر آفتاب محل برگزاری نمایشگاه ایران مد راه افتادیم. دوستان به ما گفته بودند که در مسیر برگشت با اتومبیل شخصی، با ترافیک سنگینی رو به رو می‌شویم، به همین دلیل مترو را انتخاب کردیم. بعد از رسیدن به ایستگاه شاهد باقرباد، توقع داشتیم که برای خط فرعی پرند که از شهر آفتاب هم می‌گذرد، به جای برنامه منظم روزانه (هر ۲ ساعت)، برگزارکنندگان نمایشگاه با مسؤلان مترو صحبت کرده باشند و اقلا هر یک ساعت مترویی به این سمت رود که این‌گونه

نبود. بنابراین، از ایستگاه مترو خارج شدیم و با تاکسی به سمت شهر آفتاب رفتیم. تاکسی تا ابتدای شهر آفتاب (نزدیک آتش نشانی) رفت. از آنجا توقع داشتیم که ونی، مینی بوسی و... ما را تا نزدیک محل برگزاری نمایشگاه ببرد، اما هیچ وسیله‌ای نبود و این همه راه را پیاده رفتیم. بعد از رسیدن به محل نمایشگاه، در محل ورود با چند فرد قوی هیکل روبه رو شدیم که می‌گفتند، حتما باید ثبت نام کنید و کارت دریافت نمایید، وگرنه در داخل از ترددتان جلوگیری می‌شود! خلاصه بعد از ۵۰ دقیقه ایستادن در صف ثبت نام و صف دریافت کارت، به محل دریافت کارت رسیدیم و کارتمان یافت نشد، وقتی با عصبانیت، پیامک ثبت نام خودشان را نشان دادیم. یک کارت که رویش زده بودند "بازدید کننده" به هر یک از ۲۰ نفر ما دادند و بند کارت هم نداشتند! همسرم با عصبانیت گفت: "وقتی بلد نیستید، کاری را انجام ندهید!"



می‌خواستند به بیرون نمایشگاه بروند، موقع بازگشت آن را به همان نگهبانان دم در نشان می‌دادند! پس از ورود، همسرم به من

بعد از ورود هم دیدیم که تقریباً هیچ کس کارت نیانداخته بود و آسمان هم به زمین نیامد، فقط کسانی که برای کاری

می‌کردم، ایران مدنه در جای مناسبی برگزار می‌شود، نه امکاناتی برای رفت و آمد داشت، نه به صورت مناسب می‌توانستی وارد سالن برای بازدید شوی (داستان ثبت نام و دریافت کارت). نه افرادی که پشت پیشخوان غرفه‌ها نشسته بودند، علاقه‌ای به پاسخگویی داشتند.

سوالی که در تمام راه برگشت، پس از کلی پیاده روی تا ابتدای شهر آفتاب و گرفتن یک تاکسی درست با کلی هزینه، در ذهنم می‌چرخید و دوست داشتم که از برگزارکنندگان این نمایشگاه بپرسم، این بود که جایگاه و ارزش ما متخصصان در کجای این نمایشگاه دیده شده بود؟ ..."

گفت که خودت را معرفی نکن و فقط بگو پزشکی تا ببینیم، برخوردشان چگونه است. شرکت‌های محدودی که علیرغم نشناختن ما، برخورد مناسب و خوبی داشتن! از آن جمله می‌توانم به شرکت‌های تابعه ایران فارمیس، تدا، زخمیران و... اشاره کنم. حتی شرکت آدور که اسپانسر نمایشگاه بود و داخل غرفه اش بسیار شلوغ بود، وقتی من از مسؤول غرفه پرسیدم که این کفی برای خار پاشنه است، کله‌ای بالا انداخت که یعنی "نه!"، شوهرم که این صحنه را دید، با عصبانیت گفت: "پس گذاشتید تا بازدیدکننده‌ها را بزنید؟" و تازه خانم مسؤول غرفه لطف کرد و گفت کفی برای بیماران دیابتی است. در ذهنم داشتم با ایران فارما مقایسه